



«شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جداست، هم در بیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند متان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است.»

«بی تردید رمز بقاء انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد.»

اینجانب به همه نسلهای حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقاء آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است.»

آری انقلاب اسلامی ایران به قیمت هزاران شهید جاوید بدست آمده است باید پاسداری کرد.

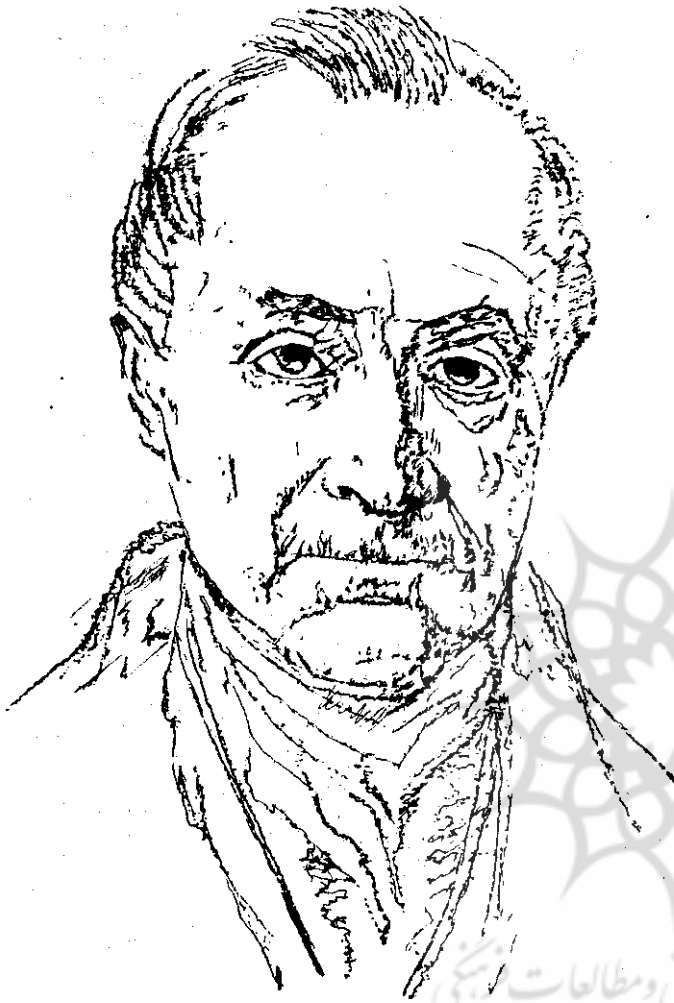
نهضت خونبارمان، با تأییدات غیبی پیروز گردیده است باید برای حفظ و استمرارش «الهی» ماند.

حرکت الهی امت مسلمان، با «وحدت» پیروز شد، برای بقای آن باید «وحدت» را پاسداری کرد.

روح مقدس حضرت امام «قدس سره» که به اسلام عزت داد، رهبری معظم جمهوری اسلامی ایران، که امت مسلمان را برای نیل به هدفهای عالی هدایت می‌فرمایند، شهدای گرانقدرمان که خورشان متضمن بقای ماست، ما را برای تلاش و مشارکت همگانی در دوران سازندگی دعوت می‌کنند. تلاش همگانی برای سازندگی فکری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که برای دیگر ملت‌های مسلمان تحت ستم نیز مرجع و الگویی امیدبخش باشد.

باین امید که بتوانیم، همگام، همراه و استوار برای ساختن کشوری «الگو» و مبتنی بر «ارزشهای الهی» گام‌های مؤثرتری برداریم.

مدیر داخلی



آشنایی

با بزرگان جامعه‌شناسی

اگوست کنت

دکتر جواد یوسفیان

آگوست کنت (Auguste Comte) فیلسوف اجتماعی و واضع کلمه جامعه‌شناسی* (Sociology)، به سال ۱۷۹۸ مسیحی در یک خانواده اشرافی در مونت پلیه (Montpellier) در جنوب فرانسه زاده شد. پدر و مادرش کاتولیک بودند اما کنت زمانی که سیزده سال بیش نداشت از دین خانواده خود روی بر تافت و به تدریج دستخوش خلجان روحی و افکار جرمی شدید گردید.^۱ پنج سال بعد یعنی در هیجدهمین سال عمر به مدرسه پلی‌تکنیک (Polytechnique Ecole)، پاریس راه یافت و به مطالعه ادبیات و علوم و مخصوصاً علوم ریاضی پرداخت. در این هنگام مدرسه پلی‌تکنیک پاریس کانون تلاش‌های سیاسی و آزادی‌خواهی و تجددطلبی و شوق به پیشرفت بود و از این رو کسان بسیاری از اهل علم مجذوب آن شدند و به‌سوی شتافتند. کنت که در طی چند سال اقامت خود در مدرسه پلی‌تکنیک خوش درخشیده بود، در اعتراضی که دانشجویان علیه مقامات کشور به عمل آوردند درگیر شد و در نتیجه این امر از ادامه کار در آن مدرسه محروم و سپس اخراج گردید. پس کنت آهنگ زادگاه خود کرد و اندکی بعد به پاریس بازگشت و عمیقاً در مطالعه و تأمل فرو رفت و آگاهانه خود را به عرصه فعالیت‌های سیاسی کشانید. وی که از تدریس ریاضیات در مدرسه سابق‌الذکر ممنوع گردیده بود بناگزی به تدریس خصوصی رو آورد اما این کار برای تأمین زندگی او کافی نبود. پس دست حاجت بسوی همه مقامات و بزرگان اروپا دراز کرد و هر جا توانست به سخن‌رانی پرداخت و آغاز نوشتن کرد. آثار او یکی پس از دیگری انتشار یافتند اما گفتنی است که سخن‌رانی‌ها و کتاب‌هایش نتوانستند توجه کسی را جلب کنند زیرا در آن زمان شهر پاریس از انواع نویسندگان و متفکران تنگدست و گرسنه پر^۲ بود. وی معتقد شد که قادر است با نظرات خود جهان را از پریشانی

برهاند و نظم نوی در افکند و از این رو بر همه کسانی که آراء او را جدی نمی‌گرفتند و یارد می‌کردند به شدت تاختن گرفت.^۳ بدین ترتیب رفته رفته با تشدید آشفته‌گی روانی او ذهنش رو به تباهی رفت چندان که مدتی در تیمارستان به سر برد و دو بار نیز دست به خودکشی زد.^۴ در ۱۸۲۵ یعنی وقتی بیست و هفت سال داشت با زنی بنام کارولین ماسن (Caroline Massin) ازدواج کرد، اما این ازدواج به هیچ روی مقرون به‌خسندی و آرامش نبود و از این رو کنت و همسرش در ۱۸۴۲ علقه زناشویی را گسستند و از هم جدا شدند.^۵ سه سال بعد یعنی در ۱۸۴۵ کنت در پی آشنایی با بانویی بنام کلوتیلد دو وا (Clotilde de Vaux)، درگیر عشقی عمیق و رمانتیک شد، اما این تجربه درونی نیز به‌بهبود حال وی نینجامید زیرا بانوی مزبور یک سال بعد درگذشت و دلداه خویش را با اندوهی کشنده در مفاک تنهایی رها کرد و فراخنای جهان را بر او تنگ گردانید.^۶ قابل ذکر است که این شور رمانتیک در همه آثار بعدی کنت اثر نهاد و مخصوصاً در طرح او که برای تأسیس یک جامعه آرمانی بدست داد عمیقاً مؤثر افتاد و نقش اجتماعی زنها را مورد تأکید قرار داد.^۷

آثار عمده کنت - آگوست کنت بسال ۱۸۲۲ مسیحی نخستین اثر خویش را که طرحی برای فعالیت‌های علمی لازم جهت بازسازی جامعه، (A plan for the Scientific works necessary to Reorganize society) داشت، منتشر کرد. این اثر که نمودار اندیشه اساسی اوست به جریانات فکری عصر او ناظر است و اصلاحاتی را که به‌نظر وی باید در افکار و برنامه‌ریزی اجتماعی صورت گیرند، پیش می‌نهد. در ۱۸۲۶ کتاب دیگری نشر داد که ملاحظاتی درباره قدرت معنوی (Considerations, on the spiritual power) نام دارد. این اثر تا اندازه زیادی از سن سیمون Saint-Simon و کسانی چون جوزف دومستر

(Joseph de Maistre) و دو بنالد (de Bonald) الهام گرفته بود و زمینه نظرات کنت را که بعداً بنام آئین انسانیت (Religion of Humanity)، خوانده است، فراهم آورد. در ۱۸۳۰ مسیحی، نخستین جلد از کتاب شش جلدی وی موسوم به دوره فلسفه اثباتی (Course of positive philosophy) انتشار یافت و در ۱۸۴۲ ششمین و آخرین جلد این کتاب به‌جامعه عرضه شد. از این پس بلند پروازی کنت طلوع کرد و کتابی در چهار مجلد پدید آورد که نظام سیاست اثباتی (System of positive polity) نام داشت. نخستین جلد این اثر در ۱۸۵۱ و چهارمین و آخرین آن در ۱۸۵۴ انتشار پذیرفت. کتاب فلسفه اثباتی در حقیقت متضمن نظرات جامعه‌شناختی کنت است که جامعه آرمانی مورد نظر او را به‌طرز مبسوطی مورد تشریح قرار می‌دهد.

کنت آثار کم‌اهمیتی نیز منتشر کرده است که برخی از آنها بدین شرح‌اند: گفتار درباره روح اثباتی (Discourse on the positive spirit) که در ۱۸۴۴ و تقویم اثباتی (Positivist calendar) که در ۱۸۴۹ و کتابخانه اثباتی که در ۱۸۵۲ انتشار یافته‌اند. علاوه بر این، کتاب‌های آموزش اثباتی (Positivist catechism) که در ۱۸۵۲ و سخنی با محافظه‌کاران Appeal to Conservatives که در ۱۸۵۵ و ترکیب ذهنی (Subjective Synthesis) که در ۱۸۵۶ و نظام منطق اثباتی (System of Positive Logic) که در ۱۸۵۶ نشر یافتند، در خور ذکر‌اند.^۸

شیوه نگارش کنت بی‌تنوع و دشوار و سنگین است. با اینهمه، آنگاه که اندیشه خود را می‌پرورد با دقت فراوان سازمان می‌بخشد و حوزه‌های مورد تحقیق را از یکدیگر تفکیک می‌کند و افق‌های روشنی در برابر خویش پدید می‌آورد.

منابع افکار و قدرت ترکیبی کنت - معمولاً محققان قدرت فکری کنت را در جهت

ترکیب و سازمان‌دهی، مفاهیم، مهم‌ترین امتیاز او می‌دانند. وی در فلسفه اجتماعی خود از منابع بسیار استفاده کرد. برای نمونه، مهم‌ترین مفهوم نظام اجتماعی خویش یعنی توزیع وظایف (Distribution of Functions) را از افلاطون گرفت. مفهوم مربوط به اثبات‌گرایی (Positivism) و روان‌شناسی فیزیولوژیک را از آثار هیوم David Hume و کانت و گال (Gall) بیرون کشید. جبر تاریخی Historical Determinism را از هیوم و کانت و تورگو (Turgot) الهام گرفت و تمایل او به قدرگرایی تاریخی از آثار بسوئت (Bossuet) و ویکو (Vico) و دومستر ناشی شده است. قانون مراحل سه گانه در سیر عقلی بشریت به تورگو و کندرسه (Condorcet) و سن - سیمون برمی‌گردد. اعتقاد او به جامعه‌شناسی به عنوان مبنای سیاست به منتسکیو (Montesquieu) و کندرسه و سن سیمون باز می‌گردد.^۱ منتسکیو در جریانات اجتماعی مخصوصاً در مورد نفوذ عوامل طبیعی، جویای مفهوم قانون شد و کندرسه مفهوم ترقی انسانی را پیش کشید. سن سیمون خواستار علمی جامع شد که بتواند نوسازی اجتماعی و صنعتی جامعه را رهبری کند. کنت با ترکیب این نظرات که متعلق به قرن پیش بودند و نیز با نشان دادن اهمیت جامعه‌شناسی در حل مسائل جامعه‌های اروپایی در قرن نوزدهم خدمت بزرگ خود را به‌دنیای اندیشه صورت داد.

روش‌شناسی - مبنای اصلی کنت در روش‌شناسی (Methodology) این است که دانش بشری هرگاه در آینده بسخواهد راه گسترش یی‌ماید، باید روش علمی یا مثبت را که متضمن «مشاهده» (observation) و «آزمایش» (Experimentation) و «مقایسه» (comparison)، است به کار بندد.^۱ این روش در تحقیقات اجتماعی هم باید مراعات شود با این قید که از مطالعه مراحل جامعه انسانی براساس مقایسه، روش تاریخی نیز که از آن

انتظار نتایج مهمی می‌رود پدید خواهد آمد. کنت که می‌کوشد علم اجتماعی خاصی برای تبیین حوادث گذشته و پیش‌بینی رویدادهای آینده بسیار آورد، بر روش علمی در تحقیقات اجتماعی تأکید می‌ورزد زیرا به خوبی واقف است که آنچه می‌تواند این علم اجتماعی خاص را از فلسفه‌های پیشین جدا کند، اعمال یک روش جدی و متقن علمی است. چنان که می‌دانیم علم معرفتی است منظم که با روش‌هایی معین به دست می‌آید و در پی تبیین روابط پایدار واقعیت‌ها است. بنابراین از لحاظ کنت یک سوی تحقیق علمی واقعیت بیرونی و سوی دیگر آن مفروضات ذهن محقق است که می‌کوشد در جریان تجربه آن را بیازماید و در صورت تطبیق این مفروضات با واقعیت، به قانون یا حقیقت علمی نیل کند. بدیهی است که چنین راه و رسمی با تأملات نظری متفکران پیشین سخت متفاوت است و از این رو می‌توان کنت را یکی از پیشگامان اعمال روش علمی در تحقیقات اجتماعی محسوب* داشت.

طبقه‌بندی علوم - کنت علوم را مورد طبقه‌بندی قرار داد. طبقه‌بندی او به ترتیب مشتمل است بر ریاضیات (Mathematics) و نجوم (Astronomy) و فیزیک (Physics) و شیمی (Chemistry) و زیست‌شناسی (biology) و بالاخره جامعه‌شناسی^{۱۱} (Sociology). این طبقه‌بندی چند مبنای نظری دارد. اولاً هر علمی وابسته به علم ماقبل آنست، ثانیاً هر علمی نسبت به ماقبل خود خاص‌تر و پیچیده‌تر است. ثالثاً جامعه‌شناسی به عنوان آخرین علم، موضوعی بسیار پیچیده دارد و مسائل هر دوره جامعه معمولاً در آن دوره مورد تحقیق و اندازه‌گیری قرار نمی‌گیرد. از این رو جامعه‌شناسی با آنکه از علوم دیگر جدا نیست با اشکالات بیشتری مواجه است. چنان که می‌بینیم کنت در طبقه‌بندی خود از روان‌شناسی (psychology) ذکر می‌نمی‌آورد. از نظر

کنت روان یا نفس انسانی موضوع کاوش‌های دینی و فلسفی است. از این رو روان‌شناسی علمی را که ناظر به فعالیت جسم و مغز است موضوع علم فیزیولوژی (Physiology) می‌داند و فیزیولوژی را بخشی از زیست‌شناسی به شمار می‌آورد.

تنواره اجتماعی - گرچه کنت جامعه را به عنوان یک تنواره (Organism) طرح نکرد، باز باید گفت که مبنای نحله تنواره‌گرایی اجتماعی (Social organicism) را نهاد و رسانید که تنواره شمردن جامعه صرفاً یک تمثیل نیست، بلکه واقعیتی عینی است، کوکر (Coker)، این نظر را که در کتاب فلسفه اثباتی آمده است چنین خلاصه می‌کند:^{۱۲} جامعه در برابر ارگانسیم‌های منفرد یعنی جانداران یک تنواره اجتماعی است و به عنوان یک واحد زنده از هماهنگی اجتماعی برخوردار است و مانند یک ارگانسیم از لحاظ ساخت و کارکرد دارای هم‌نواپی است و کلاً به سوی هدفی مشترک پیش می‌رود در حالی که بین بخش‌های آن با یکدیگر و بین آن و محیط رابطه‌ی کنش و واکنش برقرار است. جامعه انسانی که بازبین مرحله تکامل ارگانیک است نمودار والاترین هم‌نواپی است. جامعه در جریان تکامل همواره از لحاظ کارکرد متخصص‌تر می‌شود و بخش‌های آن کامل‌تر می‌شوند و بهتر بر یکدیگر انطباق می‌یابند. از این بسالتر، اختلالات اجتماعی چیزی جز امراض اجتماعی نیست و بنابراین می‌توان شناخت آنها را به علمی همانند آسیب‌شناسی پزشکی واگذاشت و آن را آسیب‌شناسی اجتماعی (Social pathology) خواند. کنت در کتاب سیاست با تفصیل بیشتری به شباهت فرد و ارگانسیم اجتماعی پرداخت و بر آن شد که خانواده به منزله سلول پیکر جامعه است. نیروهای اجتماعی به منزله بافت‌اند، دولت‌های شهری به منزله بخش‌ها یا اعضای بدن‌اند و ملت‌ها با رده‌بندی‌های زیست‌شناسی برابری

می‌کنند. اما ارگانیک‌فردی و ارگانیک‌اجتماعی متغیر و در صورتی که مطابق اصول علمی رهبری شود، مستعد پیشرفت نامحدود است. فرق دیگر این است که ارگانیک‌اجتماعی برخلاف ارگانیک‌فردی در تقسیم کار و تخصص، سخت پیش می‌رود و از این رو میان اجزاء آن هماهنگی فوق‌العاده شدیدی برقرار می‌شود.

نظم اجتماعی و ترقی اجتماعی - کنت
از جامعه‌شناسی دو تعریف بدست داد، یکی اینکه جامعه‌شناسی علم نظم اجتماعی (Social Order) است و دیگر اینکه جامعه‌شناسی علم ترقی اجتماعی (Social Progress) است.^{۱۳} اگر این دو تعریف را یکجا بیاوریم باید مانند او بگوئیم که جامعه‌شناسی علم نمودهای اجتماعی است. این علم سخت به زیست‌شناسی بستگی دارد. موضوع زیست‌شناسی، سازمان بندی ماده و ظهور حیات است و موضوع جامعه‌شناسی انتظام و ترقی اجتماعی است.

کنت جامعه‌شناسی را به دو بخش اساسی تقسیم می‌کند: ایستایی‌شناسی اجتماعی یا نظام خودبه‌خودی جامعه‌های انسانی و پویایی‌شناسی اجتماعی یعنی ترقی طبیعی انسانیت.^{۱۴} وی پس برسد که اساس نظام اجتماعی تقسیم کار و ترکیب نیروها است. به گمان او این مفهوم را اول بار ارسطو به میان نهادولی حقیقاً باید بگوئیم که طراح نخستین آن افلاطون بوده است. در هر حال تقسیم کار منجر به تخصص می‌شود و ترکیب نیروها به ظهور نهاد دولت می‌انجامد.

کنت خانواده را به عنوان یک نهاد اجتماعی اساسی و دین را به عنوان مهم‌ترین عامل نظام بخش جامعه معرفی کرد.^{۱۵} اثبات‌گرایی او در مورد دین گرچه رنگ مصلحت‌گرایانه دارد، باز بدان صورت که در کتاب سیاست آمده است آموزنده و نتیجه بخش است. نگرش او درباره اهمیت بنیادی

خانواده و دین همچنان که مورد توجه وارد (Ward) قرار گرفته است، اخیراً بوسیله الود (Ellwood) صورت نوی یافته و در واقع محور تعالیم جامعه‌شناسان امریکایی گردیده است.

چنان که وارد اشاره می‌کند به نظر کنت جامعه‌شناسی از لحاظ اصلاح اجتماعی ارزش عملی دارد. کنت می‌گوید اگر جامعه به حد کفایت خردمند باشد و قوانین سازمان‌بندی و ترقی را درست به کار بندد به صورتی والا در خواهد آمد و بدین ترتیب نظریه «اصلاح اجتماعی» (Social, Reform) که در جامعه‌شناسی امریکایی اهمیت بسیار دارد تا حدود زیادی از کنت سرچشمه می‌گیرد.

جامعه‌شناسی و علم سیاست - کنت
گرچه جامعه‌شناسی را از علم سیاست تفکیک نمی‌کند و آن را مرحله کمال علم سیاست می‌داند باز باید گفت که بین جامعه‌شناسی و فلسفه سیاسی پیشین که زیر سلطه نظریه‌های فلسفی بود، فرق می‌گذارد. از نظر کنت جامعه‌شناسی باید از روش فلسفه سیاسی که چیزی جز استنتاج ذهنی صرف نیست روی گرداند و به شیوه علمی که متضمن مشاهده و آزمایش و مقایسه است روی آورد. از این گذشته، این نکته نیز درخور تردید است که آیا اساساً کنت علاوه بر علم کلی جامعه یعنی جامعه‌شناسی، علم سیاسی دیگری را نیز امکان‌پذیر می‌داند است یا نه. در هر حال باید گفت که نظریه سیاسی کنت با نظرات او در زمینه روان‌شناسی و دین و اخلاق و اقتصاد آمیخته است و همه این‌ها در جامعه‌شناسی او راه دارند. کنت از قبول این واقعیت که علوم اجتماعی خاص، علمی راستین‌اند سر باز زد و بر آن شد که جامعه را می‌توان به وسیله یک علم کلی که همانا جامعه‌شناسی است، مطالعه کرد. ناگفته نماند که توسعه جامعه‌شناسی به عنوان یک علم جامع‌الاطراف و ناظر به همه نمودهای اجتماعی مدیون کنت است. علاوه بر این کنت، معتقد بود که علم سیاست، آن بخش از

جامعه‌شناسی است.

که به تاریخ دولت می‌پردازد و نظر و عمل مربوط به سازمان اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. با اینهمه، او هیچ‌گاه این مسائل را به طرز مستقل و جدا از جامعه‌شناسی مورد توجه قرار نداد، بلکه بخشی از نظام اجتماعی انگاشت.

اهمیت عظیم دین یاران - مهم‌ترین رده
در جامعه اثباتی کنت، دین یاران یا خداوندان ممتاز قدرت اثباتی هستند. پوشیده نماند که مراد کنت از دین یاران (priests) اصحاب دین به معنی رایج نیستند. دین یاران مورد نظر او جامعه‌شناسانند که برای رهبری علمی جامعه بر اساس استعداد و آشنایی مستقیم و وسیع خود با اصول لازم برای برقراری یک سیاست اجتماعی ترقی خواهانه برگزیده می‌شوند. کنت در مورد اخلاق در جامعه اثباتی چنین می‌گوید: اخلاق خانوادگی باید بوسیله زنان و اخلاق اجتماعی بوسیله دین یاران تحقق^{۱۶} یابد. در جامعه اثبات‌گرای به منظور تثبیت نفوذ اخلاقی زنان، بیش از یک همسر نمی‌توان گرفت و جدایی زن از مرد ممکن نیست و زنان شوهر مرده حق ازدواج مجدد^{۱۷} ندارند.

افکار عمومی و سلطه اجتماعی - کنت
افکار عمومی را عاملی مؤثر برای اعمال سلطه اجتماعی می‌دانست و معتقد بود که عملاً اخلاق عمومی و البته افکار عمومی است و بدون مداخله افکار عمومی اصلاح دامن‌دار و بازسازی نهادهای اجتماعی تقریباً ناممکن است. مداخله مؤثر افکار عمومی مستلزم چند عامل است: اولاً برقراری اصول ثابتی برای عمل اجتماعی، ثانیاً قبول و اجرای این اصول به وسیله عموم مردم، ثالثاً تشکیل دستگاهی برای وضع قانون و نظارت بر اجرای آن.

موافق نظر کنت سیر ابتدایی تمدن تابع قانون طبیعی و تغییر ناپذیری است که همه جنبش‌های انسانی را در بر می‌گیرد و انسان تنها یارای آن دارد که با توجه به قوانین تکامل

اجتماعی، مختصری بر شتاب تکامل بیفزاید. بی‌خردی است اگر چنین بیندازیم که می‌توانیم یک روزه با وضع قوانین نو، نظام اجتماعی را بازسازی کنیم. کنت تأکید داشت که قوانین تکامل اجتماعی ساخته فکر او نیست بلکه حقایقی است که تاریخ و علوم اجتماعی درباره تکامل و وضع آینده جامعه کشف کرده‌اند.

حاکمیت - بی‌گمان در نظریه کنت، حاکمیت سیاسی به معنای کنونی طرح نمی‌شود. از دیدگاه او، نظر هابس* درباره قدرت دولت می‌تواند مبنای حاکمیت تلقی شود. کنت با رسیدگی به وجوه صحیح و سقیم حاکمیت به دو مفهوم متفاوت می‌رسد: یک مفهوم سیاسی برای موارد خاص و یک مفهوم اخلاقی برای همه موارد. در مورد اول می‌گوید که هرگاه منافع عملی همه جامعه در میان است باید از مردم یاری خواست. مثلاً هنگامی که موضوع اعلان جنگ یا تصمیمات قضایی مهم لازم می‌آید باید به صدای مردم گوش داد. اما هرگاه مسائلی محتاج قضاوت تخصصی باشند باید مردم را نادیده گرفت.^{۱۸}

بازسازی اجتماعی از لحاظ اثبات‌گرایی - بدون توجه به زمینه تاریخی نظریات کنت، درک نظریه و نقشه اجتماعی کنت بسی دشوار است. کنت تشخیص داد که نظام اجتماعی کهن بر اثر انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی رو به انحطاط می‌رود و نظام نوی که خود دارای مفاسدی است به جای آن می‌نشیند. کنت مانند سیس موندی (Sismondi) و بر خلاف سی (Say) و باستی یات (Bastiat) و خوش بینان فرانسه، نظام سرمایه‌داری جدید را محکوم دانست و به زبان لوی برول (Levy-Bruhl) چنین گفت:

کنت ناظر تکاپوی بسوزواری در دوره سلطنت لویی فیلیپ (Louis Philippe) بود و از این رو آن گروه را مورد توجه و سنجش قرار داد. به نظر او سفاکیم مقبول بسوزواری بر قدرت و اعمال قدرت تکیه ندارند، بلکه قبل از

هر چیز متوجه ثروت و سایر دستاوردهای قدرت هستند. بسوزواری می‌گوید که انقلاب فرانسه با برقراری رژیم پارلمانی خاتمه یافته است اما حقیقت جز این است به این معنی که برقراری رژیم پارلمانی فقط یکی از مراحل انقلاب به شمار می‌رود. به بیان دیگر، طبقه متوسط یا بسوزو همانند طبقه اشرافی پیشین از انقلاب کامل هراسناک است و حتی در قرن

هیجدهم که هنوز از شور انقلابی سرشار است و نظام جمهوری را بنیاد نهاده است می‌کوشد که مانند گذشته نسبت به توده‌ها با دورویی رفتار کند تا بدون تحمیل وظایفی مشخص بر رهبران جامعه بتواند توده‌ها را به فرمان‌برداری برانگیزد. بدیهی است که این وضع برای رنجبران یا پرولتاریا که از بهبود بی‌بهره‌اند، طاقت فرسا است. بنابراین بسوزو به قصد آرام نگه‌داشتن پرولتاریا زندان می‌سازد تا هر که را که نان می‌خواهد در آن بیندازد. به گمان او می‌توان میلیون‌ها انسان را به طور نامحدود در جامعه جدید به صورتی منزوی و بدون اعطای حقوق شایسته مشخص، نگه‌داشت. در این صورت سرمایه که در دست‌های بسوزواری است و قبلاً به صورت ایزاری برای نیل به آزادی به کار می‌رفت، حربه زورگویی می‌گردد و اختراع ماشین که می‌بایست وضع زندگانی پرولتاریا را بهبود بخشد برخلاف انتظار مایه رنج آنها می‌شود و مشقات آنها را مضاعف می‌گرداند.^{۱۹}

اما این مسأله از لحاظ کنت به صورت مسأله‌ای مبنی بر سرمایه‌داری و الغاء آن نبود. او فنون صنعتی یا مالی نظام جدید را بر خطا نمی‌دانست، بلکه فقدان یک اخلاق اجتماعی و صنعتی را که می‌بایست بر صناعت جدید سلطه‌ورزد علت تباهی‌ها می‌شمرد.^{۲۰}

جهان‌بینی کنت و مخصوصاً نظر او درباره تکامل نظام‌های فرهنگی و جامعه‌های انسانی با معتقدات و ارزش‌های برخی از جامعه‌ها و از جمله جامعه اسلامی ما هماهنگ نیست. از این

رو ما به هیچ روی خود را تابع بلاشروط اندیشه کنت نمی‌دانیم؛ بلکه می‌کوشیم تا حدی که لازم است مختصات نگرش او را دریابیم. نظرات کنت کلاً مورد نقد ژرف اندیشان شرق و غرب قرار گرفته است و جا دارد که در جامعه ما نیز نخست این نظام فکری کاملاً طرح شود و سپس مورد داوری اصحاب تخصص قرار گیرد.

منابع:

- 1 - international Encyclopedia of The social Sciences, Volume 3, 1972 P. 201
- 2 - Randall Collins and Michael Makounsky, the Discovery of Society 1978, p. 27
- 3 - ibid, P. 28
- 4 - ibid, P. 28
- 5 - Encyclopedia Britannica, Volume 6. 1969, p-249
- 6 - ibid, p. 249
- 7 - ibid, p. 249
- 8 - ibid, P. 249
- 9 - Becker and Barnes, Social Thought From lore to Sciene, Volumez, P.571
- 10 - Auguste Conte, the positive philosophy P.53
- 11 - ibid, P.38
- 12 - W-Coker, organismic theories of the State, 1910, P.P. 123 - 24
- 13 - Positive Philosophy, P. 401
- 14 - ibid, PP 462 - 63
- 15 - ibid, p. 502
- 16 - ibid, pp.831 - 33
- 17 - ibid, PP, 842 - 45
- 18 - Social thought ... P. 585
- 19 - ibid, ibid, pp. 585 -6
- 20 - ibid, p. 586